

عبده وازن

# هر روز زاده می شوم

گفت و گو با محمود درویش و گزیده اشعارش

گزیده و ترجمه محمد حزبایی زاده

---



فرهنگ جاوید

## فهرست

۱۱	یادداشت مترجم
۱۳	گفت وگو: هر روز زاده می شوم
۱۵	درویش از چشم درویش
۱۹	شعر سیاسی
۲۱	شاعر یا نماد؟
۲۲	راز ماندگاری شعر
۴۰	دربارهٔ رمان
۴۳	ادبیات صوفیانه
۴۷	مدرنیسم و شعر
۵۱	مجلهٔ شعر و مواقف
۵۴	آشفتگی در شعر
۵۷	شاعران الهام‌بخش
۶۳	پیش‌گامی در شعر
۶۵	نظریه پردازی در شعر
۶۶	زندگی نامه

۱۱۳	این است فراموشی
۱۱۵	همیشه کاکتوس
۱۱۹	تا آخرین نفس‌های شب آواز خواندم
۱۲۳	دو پرندۀ غریب در پرمان
۱۲۷	هر صبحدم بر خودم سلام کنم و بگذرم...
۱۳۱	نمایۀ اسامی
۱۳۷	نمایۀ موضوعی

۶۹	عرب‌های ۱۹۴۸
۷۰	شاعر عرب یا فلسطین؟
۷۱	ادبیات عبری
۷۴	مقایسۀ ناتمام
۷۶	شهروند فلسطینی
۷۷	دوری از وطن
۷۹	استشهادی یا انتحاری؟
۷۹	یاسر عرفات
۸۳	راه یا خانه
۸۷	در ستایش راهِ خانه
۸۹	سفر به مسکو
۹۰	سفر به قاهره
۹۲	نقد یا تخریب؟
۹۳	سفر به بیروت
۹۷	سفر به تونس
۹۸	اقامت در پاریس
۹۹	رابطۀ من با بیروت
۱۰۰	بازگشت به فلسطین
۱۰۱	مجلۀ الکرمل
۱۰۳	شاعر عشق
۱۰۴	جایزۀ نوبل
۱۰۶	مرگ

۱۰۷	گزیده اشعار
۱۰۹	راه...
۱۱۱	نپرسیدند از پس مرگ چیست؟

### درویش از چشم درویش

عبده وازن: حالا بعد از انتشار چاپ هجدهم مجموعه کامل آثار، آن‌ها را چگونه می‌بینی؟ کدام بخش را دوست‌داری و از کدام بخش راضی نیستی؟ به اولین کارهایت که جزئی از حافظه ملت فلسطین شده، چگونه نگاه می‌کنی؟

محمود درویش: وقتی مجبور می‌شوم آثارم را برای تصحیح اشتباه‌های چاپی و آماده‌سازی برای چاپ مجدد و نه برای پی‌گیری تحول یا بررسی گذشته شعری‌ام مرور کنم، خیلی احساس گناه می‌کنم. به عبارتی، من با رضایت خاطر به گذشته‌ام نگاه نمی‌کنم، و زمانی که آثارم را مرور می‌کنم، آرزو می‌کردم ای کاش همه این اشعار یا بخش اعظم آن‌ها را به چاپ نمی‌سپردم.

البته این مسئله دیگر از اراده من خارج شده و به بخشی از میراث‌ام تبدیل شده است. اما [باید گفت] روند تکامل شعری من به صورت جهشی در خلأ صورت نگرفته، بلکه در میان همین کارهای انبوه روی داده است. به همین دلیل، این شناسنامه را باید همین‌گونه که هست بپذیرم و حق جرح

**عبده وازن:** اما نمونه‌های متناقضی در این زمینه هست!

**محمود درویش:** هر شاعری پاسخ ویژه خود را دارد، یا حتی از بخت خودش بهره می‌برد. به اعتقاد من، در نهایت، بخت و اقبال نقش مهمی در تولد و توان شاعر برای تکامل‌اش بازی می‌کند. اما شاعر پیش از بخت خود، باید به کمبودها و تنگناهای شعری‌اش توجه کند؛ [و در این میان] هر شاعری هم به سبک خودش از این تنگناها می‌گذرد. اما تکرار، یعنی تازش‌رایی سروده‌های خود، یا افزودن چیزهایی نو به شعرهایی که گفته است، بهترین راه نیست.

**عبده وازن:** نظرت درباره تلاش برخی شاعران که اشعار نخستین خود را حذف یا انکار می‌کنند، چیست؟ کاری که شاعر فرانسوی رنه شار<sup>۱</sup> یا هونیس<sup>۲</sup> کردند؟ شما هم برخی سروده‌های ابتدایی‌ات را — به‌خصوص در دوره‌ای که در فلسطین بودی — حذف کردی؟

**محمود درویش:** من همه شعرهایم را به‌صورت کتاب منتشر نکرده‌ام. برخی شعرهایم در مطبوعات منتشر شد و برخی هم منتشر نشد. اولین مجموعه شعری‌ام را به‌طور کامل حذف کردم، چون آن را اصلاً قبول ندارم. این مجموعه در فلسطین و در دوره جوانی‌ام منتشر شد و شامل شعرهای شخصی دوره نوجوانی است. دلم می‌خواهد این حذف کردن را ادامه بدهم. مسئله پیچیده و دشوار این است. حتی در مرحله مهم و سرنوشت‌سازم، سروده‌های زیادی داشتم، اما آن‌ها را در مجموعه‌های مختلف شعرهایم نگذاشتم؛ البته در مطبوعات منتشرشان کردم، اما در کتاب‌هایم نیاوردم. این حق شاعر است که هرچه بخواهد از اشعارش حذف کند؛ اما پرسش این است: آیا نظرش درست است یا نه؟ چراکه نظر خواننده هم وجود دارد.

و تعدیل آن را ندارم، مگر در حد امکان؛ یعنی در حد حک و اصلاح برخی جمله‌ها و عبارات‌ها، یا حذف برخی بندها، آن‌هم از جهت زیبایی‌شناختی نه از جهات دیگر. اگر این امکان را داشتم، پیوسته آثارم را حک و اصلاح می‌کردم؛ و اگر این فرصت به من داده می‌شد، شاید نیمی از کارهایم را حذف می‌کردم. اما این کار از اراده‌ام خارج است و ظاهراً چنین حقی ندارم. من همین‌ام؛ از آغاز شاعری تا دوره بلوغ شعری، من این هستم! اعتقاد دارم هر شاعری، یک حس انتقادِ درونی دارد و با این نگاه به نقد آثارش می‌پردازد.

این‌جا می‌خواهم بگویم که شاعران به دوگونه زاده می‌شوند: برخی به‌صورت یک‌باره و ناگهانی متولد می‌شوند؛ در این زمینه نمونه‌های زیادی وجود دارد. به‌عنوان مثال در میراث فرهنگ عربی امثال طرفه بن العبد<sup>۱</sup> را داریم و در میراث جهانی هم می‌توان به رمبو<sup>۲</sup> اشاره کرد. برخی شاعران هم ذره‌ذره متولد می‌شوند؛ و من جزو این گروه از شاعران هستم که به یک‌باره زاده نشده‌ام. به‌نظم اشکال به یک‌باره زاده شدن، کوتاهی عمر آن است.

**عبده وازن:** در این‌گونه زادن‌ها، پدیده شگفت‌انگیزی وجود دارد!

**محمود درویش:** نبوغی خاص و شاید بتوان گفت دردناک. شاعری که به‌طور ناگهانی متولد می‌شود، زندگی شعری‌اش را نمی‌تواند ادامه بدهد. اما آن دسته از شاعرانی که به آرامی متولد می‌شوند، فرصت تجربه کردن و نوشتن را می‌یابند؛ فرصتی که برای آن گروه دیگر مهیا نمی‌شود، گروهی که آسمان تجربه‌شان یک‌باره بارش می‌گیرد و مثل رمبو سکوت اختیار می‌کنند. هر شاعری می‌تواند در بیست‌سالگی به سرودن شعر بپردازد، اما آیا هر شاعری می‌تواند پس از شصت‌سالگی این سرودن را ادامه دهد؟ پرسش دشوار این است.

۱. طرفه بن العبد بن سفیان بن سعد أبو عمر و البکری الوائلی: از شاعران عرب دوران جاهلی (۶۰ ه.ق).

او از ستایش‌گران امیر حیره بود.

۲. ژان نیکلا آرتور رمبو (۱۸۵۴-۱۸۹۱): شاعر فرانسوی. او را بنیان‌گذار شعر مدرن برمی‌شمارند.